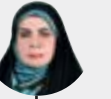


# بهار تمام عیار مشهد

نگاهی به حال و هوای شهر در نوروزی که گذشت

گزارش روز



مهروز فرمانی

زندگی ادامه دارد. وقتی صبح می شود و هوا آبروی، حس عجیبی را تو می زندگی ات می پاشند. چند روز آخر اسفند هم شور است و هم شیرین؛ یک جور بلا تکلیفی بین زمستان و بهار. یک اشتیاق خاص، ویژه و تعریف نشدنی. این را از شلوغی خیابان ها و شوق و اشتیاق آدم ها برای خرید کردن می شود فهمید. حالا فکر کن اهل مشهد هم باشی که همه چیزش متفاوت تر از شهرهای دیگر است. مهیا کردن شهر برای استقبال از زائران نوروزی به زبان ساده می آید. نباید چیزی از قلم بیفتد. مدارس و بوستان های بزرگ برای اسکان زائران آماده می شوند. تندیس ها و المان های جدید به فضای شهری اضافه می شوند و آب نماها همراه با گل آرای مفصل شهر. تکاپو در بین کارکنان هتل ها، مسافر خانه ها و زائر پذیرها از همیشه بیشتر است. کارها تمامی ندارد. مشهدی ها همیشه برای بهترین میزبانی آماده می شوند. به این ها اضافه کنید این را که بهار امسال با بهار رمضان و شب های قدر هم شدن و یک نوروز تمام عیار را برای مشهدی ها رقم زد.

## تقارن بهار با شب های قدر

بهار امسال زودتر از سال های دیگر شروع شد، با مناسبت خاصی مثل شب های قدر. مناسبت ها یک جور توقف و مکث خوشایند برای شروعی دوباره اند تا آدم ها جور متفاوت تری به جهان اطرافشان نگاه کنند و در بوی لطیفی که از جوار گلستان های صورتی و زرد پامچال بلند می شود، همه دلشوره هایشان را قوت کنند و بیرون بریزند. بهار امسال با شب های قدر و از جوار حرم مطهر و گلزار شهدای بهشت رضا آغاز شد و تصورات خیلی ها را از چیزهایی که داشتند، به هم ریخت و دوباره از نو ساخت، معنوی تر و بهترش را؛ خیلی ها هوشیارتر و جدی تر از سال های قبل، برای آرامش و بهشتی که در این سرزمین دارند، خدا را شکر کردند و برای تندرستی و حال خوبی که دارند.

خیلی از مسافرهایی که تازه رسیده به مشهد، می گویند که سفرشان به مشهد شبیه هیچ کدام از سفرهایی که رفته اند، نیست. لیلا آقامحمدی از اراک، معصومه ملکی از همدان، علی اکبر گودرزی و خانواده اش و همه و همه می گویند در سفرهای دیگر از همان اول باور می کنی که مسافری. اما این یکی تاحظه ای که برنگشته ای، باورت نمی شود که قسمت شده است و آمده ای به زیارت.

هر کدامشان یک جوری تعریف می کنند. برای علی اکبر گودرزی بهار امسال خاطره انگیزتر از سال های گذشته است و یک دلیل مهم برایش دارد: توفیق زیارت دوباره بعد از بیست سال دوری از مشهد. شادی اش و وقت تعریف کردن، پنهان نمی ماند. می خندد و می گوید: اصلا باور نمی شود آمده ام مشهد. آن قدر که در خیابان منتهی به بازاره علی بن موسی الرضا<sup>ع</sup> چند بار پرسیدم حرم کجاست و مغازه داران، متعجب نگاهم می کردند.

این حس را لیلا آقامحمدی هم دارد که هر سال در تقویم رومی، دو نوبت را برای آمدن به مشهد نشانه می زند. امیر رضا کوچولو برنامه زندگی شان را تا اندازه ای تغییر داده است. کمتر از چهل روز از تولدش می گذرد و در آغوش مادر آرام خوابیده است. فکر نمی کرد بهار امسال هم بتواند پای عهد چند ساله شان بماند. تعریف می کند: برای آمدن به مشهد مردم بودیم. امانی شوی از بابوسی آقا گذشت. همه چیز را به خودش سپردم و دل به جاده زدیم. آمدن به مشهد با نوزاد چهل روزه، شیرینی روزه داری دارد که منتظر رسیدن افطار است. درست همان لذت و حس و حال را دارد. خوشحالم که مشهد هستم.

این حس را همه میلیون ها زائری دارند که دلشان رضا نمی دهد از آقا خدا حافظی کنند و می گویند ما هم مثل شما مشهد می مانیم. بعد منظورشان از این حرف را توضیح می دهند؛ اینکه شاید خودمان برگردیم شهرمان اما دلمان همین جا می ماند.

## قدر در گلزار شهدا

برای برخی مناسبت ها اصلا نباید برنامه ریخت و چیزی را پیش بینی کرد. خیلی ها مثل من به خیالشان شب های قبرستان، مخوف و ترسناک است و قطعاً آن ها هم مثل من از دیدن این همه آدم در شب گلزار شهدای بهشت رضا<sup>ع</sup> شگفت زده و متعجب اند. خودم را جمع و جور می کنم. بین آن همه خانم و آقای که خوش پوش و مرتب برای دیدار و احوال پرسی با شهدا آمده اند، راه می روم. تاریخ شهادت را از تاریخ تولد کسانی کم می کنم که در آن ردیف آرمیده اند؛ بیشتر جوان و نوجوانند.

گلزار شهدا در آستانه عید نوروز شلوغ و پر از رفت و آمد است. انگار نه انگار که شب است و اینجا قبرستان. شهدا برای خودشان یادشاهی می کنند. حقشان هم هست که بخندند و خوشحال باشند. در ورودی قطعه، بساط چای و نسکافه به راه است. ابری خاکستری آسمان را پر کرده است و نسیم ملایمی که می وزد، حال خوشی دارد.

قطعه شلوغ شلوغ است. انگار برای مشایعت عزیزی از دست رفته آمده باشند. تاریکی قطعه های دیگر آرامستان را پر کرده است. اما چراغ های روشن اینجا تاریکی را پس می زند. صدای مداح در بین نسیم و لبخند قاب گرفته شهدا اوج می گیرد: «سبحانک یا لاله الا انت...» همه با او زمزمه می کنند. ابرها به مشایعت بهاری تازه آمده اند و نم نم می بارند. بهترین دعا کنار گلزار شهدا این است که خدا محبت اهل بیت<sup>ع</sup> را در دل هایمان بیشتر کند.

## بهار متبرک

امسال متبرک تر از هر سال است. آن را با قدر تحویل می گیریم که خنکای نسیم مستدام تر است. خیلی ها به احترام حضرت علی<sup>ع</sup> هفت سین پهن نکردند و شال و کلاه کردند تا تیک تاک ثانیه های آخر سال را در حرم علی بن موسی الرضا<sup>ع</sup> باشند. مشهد همیشه نوروز شلوغی دارد اما مجاورها هم عادت کرده اند توپ تحویل سال را که می زنند، در یک مکان مقدس باشند. بهار امسال پر از باران دعا بود. باد روی بوته های گل صحن های مختلف تاب می خورد و باران می بارید و جریان زندگی را زیباتر از همیشه می کرد.

نقاره ها به وقت تحویل سال ننواختند اما به وقتش که شد، همه زیر لب زمزمه کردند: «حول حالنا الی احسن الحال». خیلی ها از ته دل برای آمدن بهار واقعی دعا کردند و مثل همیشه خواستند تا امام زمان<sup>عج</sup> وعده اش را عملی کند و بیاید و دعا کردند خداوند تقدیر امسالشان را زیبا بنویسد تا منصفانه و شرافتمندانه زندگی کنند.

## سالی که با تولید شروع شد

برخی مشهدی ها و زائران این شهر هم به احترام آمدن بهار، کنار آرامگاه فردوسی بزرگ جمع شدند و با هم و کنار هم دعای سلامتی، پیروزی و موفقیت و ثروت خواندند. لیلا محمودی که عاشق شعرهای حماسی ابوالقاسم فردوسی است، بالهجه اصفهانی می گوید: از اینکه یک فرصت دوباره برای زندگی کردن دارم، خدا را شاکرم و خوشحالم که امسال را کنار این شاعر بزرگ هستم.

زائر دیگری می گوید: همین که با وجود این همه نامردی و ناشکری ما آدم ها، بهار لطف می کند و می آید و دلشادمان می کند، خدا را شکر. ظهر اول فروردین، رهبر معظم انقلاب شعار سال را اعلام کردند: «سرمایه گذاری برای تولید». نام سال پیش روست و تأکید آقا برای متولیان و مسئولان حوزه تولید، اهمیت این مسئله را می رساند. کارگران و کارفرماها و مسئولان، حساسیت آقا را در این حوزه می شناسند و می دانند که روزهای پرکاری را پیش رو خواهند داشت و آستین هایشان را برای یک سال پرتلاش بالا می زنند. همه آن هایی که ایمان دارند مسئولیت کار دشواری است و در قیامت بیشتر از آن ها سؤال خواهد شد.

## میزبانی در شهری شلوغ

میزبانی در مشهد، مسئولیت سنگین تری است؛ زیرا اهالی این شهر در همه مناسبت ها از دور و نزدیک میهمان دارند و نیروهای خدمات شهری که اسباب آرامش شهر هستند، دلسوزانه وقت و انرژی و عمر گذاشتند و زمینه حضور زائران در مشهد را فراهم کردند. خدمتگزاران در تمام ورودی های مشهد خودشان را برای حضور زائران آماده کردند؛ از فرودگاه بین المللی شهید هاشمی نژاد مشهد گرفته که سفره های هفت سین در ترمینال پروازهای داخلی حال مسافران را خوش می کرد تا المان باغ گل. بعید بود کسی از کنار آن ها بگذرد و با سست نکند و عکس یادگاری از مشهد به سوغات نبرد. حسن جعفری، مدیر روابط عمومی فرودگاه های استان خراسان رضوی، در همان شلوغی نخست گفته بود که نشست و برخاست پروازها ۹ درصد افزایش یافته است و پذیرش زائران هم افزایش ۱۲ درصدی آن ها را نشان می دهد.

## شور و شادی در پنجمین روز بهار

پنجم فروردین یکی از روزهای شاد بهار بود. رقابت ایران و ازبکستان، یک نتیجه جنجالی و شیرین را رقم زد و در آستانه عید فطر همه را دلشاد کرد. ایران برای چهارمین پیایی، ی راهی جام جهانی و مسافر آمریکا شد؛ دیدار تیم های ملی فوتبال ایران و ازبکستان به صورت زنده در عرصه میدان شهدای مشهد پخش شد. مردم مشهد که برای تماشای این بازی در عرصه این میدان گرد هم جمع شده بودند، این پیروزی را به فال نیک گرفتند و در میدان شهدا و دیگر خیابان های شهر به جشن و شادی پرداختند.

## برای انقلاب تاپای جان ایستاده ایم

بین جدال باران و آفتاب روز قدس، خورشید پرانری طلوع کرد و مردم بازم به میدان آمدند. مردم آمده بودند مثل همیشه. راهپیمایی از میدان ۱۵ خرداد به سمت حرم مطهر بود. جوان ها و نوجوان ها آستین کوتاه پوشیده بودند و پرچم ایران همراهشان بود و پرچم فلسطین هم. سالمندان هم کوتاه نیامده بودند؛ مثل پیرزنی که روی ویلچر نشسته بود و می گفت: دیشب آقا شرکت در راهپیمایی را بر ما واجب کردند. جوان و نوجوان ها زیر پرچم جمهوری اسلامی شعار می دادند. برخی ها هم روی پلاکاردها، اعتراضشان را به شرایط اقتصادی و گرانی نوشته و بالای سر گرفته بودند، با این حال می گفتند که با روح و با خون فدای رهبر هستیم و برای سید علی تاپای جان ایستاده ایم. روزهای خوب، پاداش صبوری این مردم است. امام رضا<sup>ع</sup> حتماً به خاطر دارد.

## «نورنما» در میدان شهدا

میدان گاه بزرگ شهر مشهد، یعنی میدان شهدا در نوروز امسال بار دیگر قلب تپنده شهر بود. جشن بزرگ عیدانه و رویداد ملی نمایش سه بعدی «نورنما» با حضور شماری از هنرمندان مشهد در میدان شهدا برگزار شد. قرأت قاری بین المللی، استاد حامد شاکرنژاد، اجرای صابر خراسانی و محمد معتمدی، بخش هایی از این جشن عیدانه بود که به مناسبت عید سعید فطر و روز جمهوری اسلامی با حضور ساعد سهیلی، مجتبی شفیع، جواد خواجوی و حامد عسکری و جمع کثیری از مردم مشهد و زائران رضوی همراه با آتش بازی موزیکال برای نخستین بار، در عرصه میدان شهدای شهر مشهد برگزار شد.

انتظار می رفت این جشن، افتتاحیه شورانگیزی داشته باشد و همین طور هم بود و حدود ۵ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. وقتی چراغ ها خاموش شد و نمای پنجره فولاد در دور میدان گاهی نشست، همه با هم صلوات خاصه را زمزمه کردند و بعضی ها هم بلند بلند گریه... میدان گاه شهدا شب های خاصی دارد. در نورنما، محورهای مختلف ایران، حماسه و نوروز، امام رضا<sup>ع</sup> و... موضوع نما و نمایش است.

## وداع با رمضان

سحر آخر ماه رمضان تلخ است؛ وداع و خدا حافظی هیچ وقت خوب نیست. دعای وداع را که می خوانند، یاد بدیدوهای روزهای آخر سال افتادم و کفش هایی که بند هایش را بسته ام و دیده ام. نمی دانم کوله بارم امسال از ماه مبارک چطور بسته شد. راستش هم خجالت کشیدم و هم حسودی ام شد به همه خادمان شهر؛ آن هایی که در حرم مطهر یک ماه پذیرای روزه داران بودند و حالا با آماده کردن کتیبه ها در صحن های آزادی و انقلاب، پیام شادباش به خاطر حلول ماه شوال را می دادند. بیش از هزار مسجد در استان آماده برپایی نماز عید شدند و مردم ایران بزرگ ترین برنده این میدان بودند. امسال ۲۸ هزار نفر در نماز عید فطر مشهد حضور داشتند. حرف که به دعا می رسد، کوتاه می شود؛ الهی که بهار زندگی همه پر از سلامتی و نگاه خدا باشد!

## جشن طبیعت، آرامش دل ها

بهار با دورهمی های سبزه به در در بوستان های مشهد، کنار آتش پخته بر هیزم و جای و آب و سبزه لطیف ادامه یافت و آندوه روزهای سخت را از دل آدم ها زدود؛ همان جایی که همه با هم دعا کردیم؛ به لطف تو امیدواریم، تقدیرمان را زیبا بنویس!

